



زندگی به سبک نیایش / ترویج مکتب جهاد و شهادت توسط امام سجاد(ع)

از تلاش های پیشوایان معصوم که هم دینی بود و هم سیاسی، توجه به قشری بود که در شدیدترین فشارهای اجتماعی قرار داشتند و از محروم ترین طبقات جامعه اسلامی در قرون اولیه به به شمار می آمدند.

از تلاش های پیشوایان معصوم که هم دینی بود و هم سیاسی، توجه به قشری بود که در شدیدترین فشارهای اجتماعی قرار داشتند و از محروم ترین طبقات جامعه اسلامی در قرون اولیه به به شمار می آمدند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه-حجت الاسلام محمدحسین ملک‌زاده: دعا در روایات معصومین(ع) با تعبیر بلندی چون سلاح مؤمن و سلاح پیامبران و ... یاد شده است که اهتمام پیشوایان معصوم(ع) به این امر را نشان می‌دهد. ائمه(ع) با بهره‌گیری از ویژگی‌های برجسته دعا، افزون بر نیایش به درگاه الهی، به نشر آموزه‌های سیاسی الهی پرداخته و در ستیز با دشمنان، چهره واقعی آنان را با این روش آشکار می‌ساختند. از این روی دعا در سیره سیاسی معصومان(ع) دارای سهم به سزایی است.

از جمله اهداف دعا در سیره پیشوایان معصوم، روشنگری و تبیین حقایق و وظایف مردم از سوی پیشوایان معصوم و شناساندن مفهوم امامت و رهبری امت به آنان است. امام سجاد(ع) در دعاهاى خود، در مواردی به بیان مفهوم امامت پرداخته و آن را مورد تفسیر و تبیین قرار داده است. برای مثال در دعای عرفه می‌فرماید: پروردگارا! درود فرست بر پاکان افراد خاندان پیامبر که ایشان را برای قیام به امر (حکومت) خود برگزیدی و خزانه داران علم و نگهداران دین و جانشینان خویش در زمین و حجت‌های خود بر بندگان قرار دادی و ایشان را به خواست خود از پلیدی و آلودگی یکباره پاک نمودی و برای رسیدن به تو و راه بهشت خود وسیله ساختی.[۱]

امام سجاد(ع) در این بخش از دعا به طور آشکار، پیشوایان معصوم و جانشینان رسول خدا(ص) را برگزیدگان بر حق خداوند در زمین برای قیام به امر حکومت و امامت و رهبری امت معرفی می‌کند. در بخشی دیگر از این دعا می‌فرمایند: خدا! تو در هر زمانی دین خود را به وسیله پیشوایی، تأیید فرموده‌ای و او را برای بندگان علم و در کشورهایت مانند نورافشان برپا داشته ای؛ پس از آنکه پیمان او را با پیمان خود پیوسته‌ای و او را وسیله خشنودی خود ساخته‌ای و طاعتش را واجب کرده‌ای و از نافرمانی بیم داده ای... پروردگارا! کتاب و قوانین و شریعت خود و سنت پیامبرت را به وسیله او برپادار و هر آنچه از نشانه های دینت، که ستمکاران می‌رانده‌اند، به وسیله او زنده ساز و رنگ جور ظالمان را از شریعت بزدای... ما را مطیع او قرار داده و در راه رضایت او کوشا ساز.[۲]

امام سجاد(ع) در قالب دعای پیش گفته به کنایه، خود را حاکم منصوب از جانب خداوند معرفی می‌کند که برای قیام به امر الهی و نگهداری و پشتیبانی دین، برگزیده شده است. این تعبیرها به امر حکومت و مقام امامت، صراحت دارد که در واقع همان تصدی امور دینی و دنیایی مردم است.

امام سجاد(ع) در بخش دیگر از صحیفه سجایه به مناسبت دعای روز جمعه و عید قربان می‌فرماید: «خدا! این مقام(امامت و رهبری امت اسلامی که اقامه نماز در روز عید قربان و روز جمعه و ایراد خطبه از شئون آن است)، مخصوص جانشینان و برگزیدگان و امانت داران توست که درجه اعلای معرفت و قرب را به آنان اختصاص داده ای، ولی از طرف غاصبان (خلفای ستمگر اموی) دستخوش غارت و چپاول شده است.»[۳]

امام سجاد(ع) در این دعا نیز با صراحت از مسئله امامت و رهبری امت که به خاندان پیامبر(ص) اختصاص دارد و غصب شدن آن به دست حاکمان اموی یاد کرده و بدین ترتیب، مشروعیت حکومت بنی امیه را نفی می کند.

دستگیری و تبعید فرزندان و عنایت امام سجاد(ع) به او

زمان خلافت عبدالملک، پسر او هشام بن عبدالملک، نفوذ بسیاری در دستگاه حاکمه داشت و با مردم به طور ظالمانه رفتار می کرد. در یکی از سالها، هشام در مراسم حج شرکت کرد. هنگام طواف ازدحام جمعیت به قدری بود که هر چه کوشید، نتوانست دستش را به حجرالاسود برساند. در این هنگام امام سجاد(ع) به طرف حجرالاسود حرکت می کرد. مردم به احترام ایشان راه را باز کردند. هشام با دیدن این صحنه بسیار عصبانی شد. برخی شامیان از او پرسیدند: این

شخص کیست که این گونه مورد احترام مردم است. او با عصبانیت گفت که او را نمی شناسد، (در صورتی که امام را می‌شناسد؛ ZWNJ«؛ لحظه؛ raquo&؛ فرزدق؛ شاعر که پیوند دوستانه و تنگاتنگی با خاندان رسالت داشت، حاضر بود و اشعاری در توصیف و معرفی امام سجاد(ع) سرود با این مضمون که: این مرد، کسی است که سنگ ریزه های مکه جای پای او را می شناسند، خانه کعبه او را می شناسد، بیابانهای حجاز او را می شناسد و ... [۴]

هشام از این اشعار آن چنان عصبانی شد که دستور داد مستمری فرزدق را از بیت المال قطع کرده و او را دستگیر و تبعید کنند. پس از این جریان امام سجاد(ع) به دلجویی از او پرداخت و مبلغ ۱۲۰۰۰ درهم نیز برای او فرستاد. [۵]

ترویج مکتب جهاد و شهادت

با وجود آنکه بعد از نهضت انقلابی امام حسین(ع) در هیچ مقطعی از عصر ائمه(ع) شرایط برای قیام مسلحانه بر ضد زمامداران و حاکمان جائر مسلط نبود، آنان در این رهگذر از تبلیغ ارزش جهاد و شهادت و زنده نگه داشتن روحیه غیرت، ایثارگری و شهادت طلبی در امت اسلامی غفلت نورزید. پس از شهادت امام حسین(ع) و تصدی منصب امامت توسط امام سجاد(ع)، آن حضرت از رسول خدا (ص) در زمینه بزرگداشت امر جهاد و ارزش شهادت چنین روایت فرمود: هیچ گامی نزد خداوند محبوب ZWNJ&؛ تر از دو گام نیست: قدمی که پیش نهاده شود و صفی از صف ZWNJ&؛ های جهاد در راه خدا را پر کند و قدمی که در راه صله رحم برداشته شود و به دیدار خویشاوندی پیش رود که قطع دیدار کرده است... و هیچ قطره ZWNJ&؛ ای نزد خداوند محبوب ZWNJ&؛ تر از دو قطره نیست: قطره خونی که در راه خدا ریخته شود و قطره اشکی که در ظلمت شب از بیم خدا فرو افتد. [۶]

آن حضرت همچنین در تشویق پیروان خویش به تلاش و جهاد در راه حق و دفاع از ارزش ZWNJ&؛ ها می ZWNJ&؛ فرمود: شیعه راستین ما کسی است که در راه اهداف و برنامه های ما جهاد و تلاش کند و با کسانی که بر ما ستم می کنند درگیر شود و جلوی ظلم آنان را بگیرد تا اینکه خداوند حق ما را از ستمکاران باز گیرد. [۷]

تربیت موالی

از تلاشهای پیشوایان معصوم که هم جنبه دینی داشت و هم بعد سیاسی توجه به قشری بود که در شدیدترین فشارهای اجتماعی و تبعیضات ناروا قرار داشتند و از محروم ترین طبقات جامعه اسلامی در قرون اولیه به شمار می آمدند. مکتب اسلام به بردگان و کنیزان که از سوی اعراب جاهلی به انجام سخت ترین اعمال مجبور شده و از طرف اربابان خود مورد اهانتها و شدید قرار می گرفتند، عزت داد و آنان را از جایگاه انسانی برخوردار ساخت. یکی از اموری که در قرن اول و دوم هجری به ویژه از سوی پیشوایان معصوم مورد توجه قرار گرفت، مسئله تربیت موالی بود. این افراد به دلیل برخورداری از استعداد مناسب و نیز با توجه به احساس ضعف و محرومیتی که در برابر عربها داشتند و در صدد جبران آن برآمده بودند، تحت تربیت پیشوایان و بزرگان اسلام توانستند در مدت زمان کوتاهی جزء فقها و محدثان مراکز اسلامی شوند. این موضوع به ویژه پس از شهادت امام حسین(ع)، در واقعه کربلا در دستور کار پیشوای چهارم، امام علی بن الحسین(ع) قرار گرفت. امام سجاد(ع) می کوشید تا با تربیت قشر موالی، راه را برای آینده مسلمانان هموار سازد.

تاریخ نگاران در این رابطه می نویسند: امام سجاد(ع) در حالی که نیازی به بردگان نداشت، آنها را می خرید. این خریدن تنها برای آزاد کردن بود. برخی گفته اند: ایشان قریب به صد هزار نفر را آزاد ساخت.

امام سجاد(ع) به هر بهانه و مناسبتی عده ای از آنان را آزاد می ساخت. به طوری که در شهر مدینه عده زیادی، همچون یک لشکر از موالی آزاد شده از زن و مرد به چشم می خورد که پیش از آن همه از موالی امام بودند. [۸] گفته اند: هیچ برده ای را بیش از یک سال نگه نمی داشت و حتی پس از آزادی، اموالی هم در اختیار آنها قرار می داد. [۹]

در این مدت آنها از نزدیک با امام سجاد(ع) و شخصیت عظیم علمی، اخلاقی و تقوایی حضرت آشنا می شدند و به طور طبیعی در قلوب آنان علاقه و دلبستگی نسبت به پیشوایان معصوم و جریانات شیعی به وجود می آمد و البته محدوده این تأثیر تنها در بلاد عرب نشین نبود، بلکه تأثیراتی را که پذیرفته بودند، به مناطق دیگر نیز انتقال می دادند؛ همچنان که اعراب شیعه همچون اشعری ها که به قم انتقال یافته و یا بنی عبدالقیس که به مدائن رفته بودند، این نوع تأثیرات را بر جای می نهادند و به این ترتیب بلاد غیرعرب تحت تأثیر این اعراب یا موالی شیعی، به سمت تشیع متمایل می شدند.

[۲] همان، دعای چهل و هشتم، ص ۳۲۲ و ۳۲۳

[۳] همان، دعای چهل و هشتم، ص ۳۵۱

[۴] این قصیده بیش از چهل بیت است که در منابع مختلف آمده است: علی بن عیسی اربلی؛ کشف الغمة؛ ج ۲، ص ۲۶۸/عباس قمی؛ منتهی الامال؛ ج ۲، ص ۲۲.

[۵] علی بن عیسی اربلی؛ کشف الغمة؛ ج ۲، ص ۲۶۹/عباس قمی؛ الکنی و الالقاب؛ ج ۳؛ ص ۲۶.

[۶] محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۲/ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۳، حدیث ۳

[۷] سلیمان قندوزی، ینابیع المودة، ص ۲۷۶.

[۸] ر.ک به: رسول جعفریان؛ تاریخ سیاسی اسلام(تاریخ خلفا)؛ ص ۵۵۹.

[۹] همان، ص ۵۶۰.